اهمیت کلام صدرا در اسفار در خصوص صور و مثل افلاطونی

ببینید در اسفار جلد دوم، از صفحه چهل و شش تا هشتاد، از بحث‌های مفصلی است که به این بحث‌های ما خیلی ارتباط دارد. «فصل (9) في تحقيق الصور و المثل الأفلاطونية». ایشان ابتدا حرف ابن‌سینا را می‌آورد. بعد حرف استادشان میرداماد را می‌آورد. حرف فخررازی را می‌آورد. همه این‌ها را در توجیه مثل می‌آورد و هیچ‌کدام از این‌ها را نمی‌پذیرد. بعد حرف شیخ الاشراق را می‌آورد و می‌گوید حرف شیخ الاشراق خیلی عالی است؛ تعریف بالایی از آن می‌کند ولی می‌گوید باز درعین‌حال کمبودهایی دارد. دو-سه کمبود حرف شیخ الاشراق را در اسفار می‌گوید و در نهایت، مختار خودش را می‌گوید. اگر بعداً به این حدود چهل صفحه مراجعه کنید، و با دقت نگاه کنید، مطالبی در آنجا هست که برای کمک به این بحث‌ها خیلی کارساز است. یعنی مثل افلاطونی را که این‌همه گفته‌اند، شنیعاتی را که بر آن‌ها وارد کرده‌اند، بحث قدیمی است. حتی آخوند به جایی می‌رسد و می‌گوید: ان قلت؛ با این حرف‌هایی که زدی ارسطاطالیس را در کرده‌ای! می‌گوید قلت الحق احق ان یتبع. البته چون اثولوجیا را از ارسطو می‌دانستند -البته آلآن می‌گویند برای او نیست بلکه برای فلوطین است- می‌گوید خودش در این کتاب که همین حرف‌ها را زده. بعد دو احتمال می‌دهد که نسبت به احتمال دوم، مرحوم حاجی سبزواری می‌گوید نه، این احتمال دوم را به ارسطو نسبت ندهید. اگر خواستید مراجعه کنید.

خب حالا به حرفمان برگردیم. ما پایه‌ها داریم و چیزهایی که توسط این پایه‌ها ظهور می‌کند. این پایه‌ها یک طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد که از بینهایت سر در می‌آورد. کما اینکه این چیزهایی که توسط او ظهور می‌کند، این‌چنین می‌شود. پایه‌ها را سریع یادداشت کنید.

شاگرد: در فدکیه این‌ها را آورده‌اید؟

استاد: نشده. نوشته‌ام ولی باید تایپ شود.

بازبینی #3
ایجاد شده 14 سپتامبر 2024 16:45:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:25:13 توسط ... .